



گرفته‌اند، این احتمال را همچنان در ذهن دارند که تهران، دمشق را فراموش نکنند و همچنان تلاش کند سهمی در دعوای سوریه داشته باشد. مسئله دیگری که بین دو طرف در سوریه پتانسیل چالش آفرینی دارد، مسئله‌ای است که در عراق نیز می‌تواند نمود داشته باشد و البته ظرفیت این را نیز دارد که تنها عرصه تقابل مستقیم بین دو طرف شود: مسئله کردها و ترک‌ها.

▼ کردها، بازیگران بی‌دولت

کردها، در چهار کشور منطقه حضور دارند و دسته‌بندی‌های سیاسی مختلفی نیز در میان آن‌ها برقرار است. مسئله کردها، دغدغه‌ای قدیمی برای آنکاراست که از همان زمان آتانورک، روزهای آغازین ترکیه مدرن، روی میز حاکمان این کشور قرار داشته. ترکیه از طرفی فعلاً توانسته روندی را با عبدالله اوچالان، رهبر قدیمی و زندانی پ‌ک‌ک به عنوان یک گروه قدرتمند کردی پیش ببرد که بخشی از آن، تصمیم برای خلع سلاح است. از طرف دیگر، کردها پایگاه خود را همچنان در سوریه دارند و یک طرف مذاکره با حاکم جدیدی هستند که برای تثبیت وضعیت به تعامل با آن‌ها نیاز دارد. این مسئله ترکیه را در وضعیت نه‌چندان مطلوبی قرار می‌دهد.

یکی از دغدغه‌های آنکارا در این میان این است که ایران در تعامل با کردهای سوریه بر بازی اثر بگذارد و چالش آفرینی کند. از طرف دیگر، پژاک، شاخه پ‌ک‌ک در ایران، تنها بخشی است که با نظر اوچالان برای خلع سلاح همراه نشده است. این به همان اندازه که برای ایران مسئله است، برای ترکیه نیز چالش به حساب می‌آید. به عبارت دیگر، هر گونه تثبیت و فعالیت کردها در منطقه ترکیه را نگران این می‌کند که کردهای درون این کشور نیز فرصت و ابزاری در تقابل با دولت آنکارا بیابند، اما نکته اینجاست که این موضوع، در مورد پژاک، نگرانی مشترک تهران و آنکاراست، اما در مورد کردهای سوریه، دغدغه‌ها و منافع دو طرف به‌سادگی می‌توانند در مقابل هم تعریف شوند.

▼ بازی نژادی اردوغان

ترکیه چند سالی است که مسئله «نژاد ترک» با تفاسیر و تعابیر مختلفش را در پروژه سیاست خارجی خود قرار داده است. بخشی از نمود این موضوع در تعاملات آنکارا با پاکو بوده که البته بروندادش اغلب برخلاف ترجیحات ایران واقع شده است. نمود دیگر ماجرا در اتهامی است که تهران به آنکارا می‌زند. ایران می‌گوید ترکیه در ادامه همین رویکرد، جدایی‌طلبی در شمال غرب ایران را نیز تحریک می‌کند. در واقع، بخشی از نگرانی ترکیه از کردها مربوط به واکنش‌هایی است که از مقامات ایران درباره این مسئله نشان داده و در آن‌ها، تلویحاً یا صریحاً، ترکیه تهدید شده که پاسخ این اقدامات را با اقدام مشابه ایران درون مرزهای خود خواهد داد.

ترکیه به طور کلی مدعی قدرت منطقه‌ای است و طبعاً این روند، او را در رقابتی با ایران قرار می‌دهد. به‌علاوه، ترکیه مدعی پیشگامی به عنوان قدرت اسلامی اصلی در منطقه و جهان نیز هست و بر سر این موضوع نیز رقابتی با تهران دارد که گاهی، مثل مسئله فلسطین و اسرائیل، به هم‌مسیری نسبی هم می‌رسد. به طور مشخص، ترکیه، اگر در سوریه، مستقیماً از کاهش نفوذ ایران بهره‌مند می‌شود، به طور کلی نیز به عنوان رقیب، عقب‌رانده‌شدن ایران را فرصتی بالقوه برای خود می‌بیند. هر چند البته، این موضوع برای ترکیه مطلق نیست

▼ گذرگاه‌های دور ایران

برای گذرگاه زنگزور، در نهایت با حضور رهبران جمهوری آذربایجان و ارمنستان در واشنگتن و با فشردن دست ترامپ، تصمیم‌گیری شد و برنامه‌ای چیده شد که در جای خود بررسی شده و خواهد شد؛ اما یکی از تبعات این پروژه، ایجاد مسیری است که ترکیه می‌تواند از طریق آن، بدون نقش آفرینی ایران با جمهوری آذربایجان تبادل و تعامل داشته باشد. این مسئله، مشخصاً امتیاز مهمی برای ترکیه است اما در پروژه ترکی اردوغان هم این پروژه معنادار می‌شود. این البته تنها پروژه راهی ترکیه نیست که برای ایران نگرانی می‌آفریند. علاوه‌بر مسیری که اشاره شد در عراق پیگیری می‌شود، ترکیه پیگیر خط انتقال گازی از قطر نیز هست. این خط و زنگزور هر دو می‌توانند ترکیه را در نقطه عطفی بین خاورمیانه و اروپا قرار دهند که پیشتر تا سالیان سال ایران آن را در خود می‌دید.

▼ آنکارا - واشنگتن، اردوغان - ترامپ

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، ویژگی‌های منحصر‌به‌فرد بسیاری نسبت به اسلافش دارد و یکی از آن‌ها، تأثیر قابل توجه رابطه شخص او با رهبران کشورها، در روندهای سیاست خارجی دولتش است. اردوغان در این میان، رابطه مثبتی با ترامپ داشته و دارد و در بزنگاه‌هایی توانسته از این موضوع استفاده نیز ببرد. مشخصاً وقتی در دولت اول ترامپ، با یک درخواست در یک تماس تلفنی، اردوغان ترامپ را قانع کرد نیروهایش را از شمال سوریه و از جایگاه پشتیبانی کردها خارج کند تا ترکیه بتواند به راحتی عملیات خود علیه آن‌ها را پیش ببرد. این رابطه مضاف بر رابطه مثبتی است که ترکیه با آمریکا داشته و دارد. به هر حال ترکیه به عنوان عضو ناتو، متحد آمریکاست و در چندین پروژه منطقه‌ای نیز، اهدافی کم‌وبیش همگرا با ایالات متحده دارد. در عرصه‌ای که به ایران مربوط باشد، یکی از چالش‌ها بین آنکارا و واشنگتن، مسئله اسرائیل است.

▼ چالش اسرائیل

تا پیش از آغاز عملیات اسرائیل در غزه، روند روابط ترکیه با این رژیم از دره گذشته بود و آرام‌آرام به سمت بهبود هم می‌رفت. بعد از آغاز حملات، ترکیه در راستای سیاست‌های خود در قبال فلسطین، گام‌به‌گام تقابل خود را با اسرائیل بیشتر کرد. سقوط حکومت بشار اسد در سوریه نیز ظرفیت تازه‌ای برای تقابل این دو دولت اضافه کرد، چه اینکه اهداف اسرائیل در جنوب سوریه، با افزایش حضور و نفوذ در قلمرو سوری، با برنامه ترکیه در تعامل با دولت تازه، همخوان نیستند. فعلاً تنش بین این دو بر سر سوریه، بیشتر وضعیت بالقوه دارد، اما خطر هنوز وجود دارد. مضاف بر اینکه گردن‌کشی‌های تل‌آویو نیز برای ترکیه خوشایند نیست. ترکیه در همان راستایی که به عنوان مدعی قدرت منطقه‌ای، با ایران رقابت می‌کند، تشدید موضع اسرائیل را نیز تهدید برای خود حساب می‌کند و این صرفاً منحصر به سوریه هم نیست. به طور کلی، رفتار اسرائیل، در مسیر تنش آفرینی در منطقه نیز هست و این هم‌به‌نوبه خود، منافع ترکیه را در معرض خطر قرار می‌دهد. این تنش نیز البته بین آنکارا و واشنگتن مسئله‌آفرینی می‌کند.

اگر در بحبوحه جنگ یا در نتیجه آن، تنش درون مرزهای ایران بالا بگیرد، پتانسیل سربرآوردن گروه‌های کوچک و بزرگ غیردولتی یا پیدا کردن فضا برای گروه‌های موجود ایجاد خواهد شد، چه گروه‌های مذهبی افراطی از جنس داعش و بزرگ گروه‌هایی مثل گروه‌های کردی مخالف ترکیه. این می‌تواند در میانه یک درگیری بزرگ منطقه‌ای، یک دردرس تازه پیش روی ترکیه بگذارد که تازه قدم‌هایی در مسیر تخفیف آن برداشته بود.

▼ آنکارا در میانه تهران - واشنگتن: برنامه هسته‌ای، فشار حداکثری و جنگ

برآیند همه این سوزّه‌های متعدد، در سه مسئله اصلی بالقوه بین ایران و آمریکا، موضع ترکیه را شکل می‌دهد. در موضوع هسته‌ای، ترکیه از تقابل آمریکا با ایران بر سر مسئله هسته‌ای راضی است. تبدیل ایران به قدرت هسته‌ای، علاوه‌بر اینکه تقویت رقیب است، به طور بالقوه می‌توان چالش دیگری نیز برای آنکارا بیافریند، چالشی که برخی دیگر، از جمله ریاض نیز نگرانی آن را دارند: شکل‌گیری رقابت هسته‌ای. آنکارا نگران است خود را ناچار به حرکت به سمت برنامه‌ای هسته‌ای خود ببیند، با همه چالش‌هایی که چنین تصمیمی برای ترکیه خلق خواهد کرد. به این مناسبت، در کلیت ماجرا، آنکارا اصل مقابله با ایران در این موضوع را تأیید می‌کند. آن چه ماجرا را دوباره پیچیده

می‌کند، راهبردی است که برای این موضوع تعیین خواهد شد.

مطلوب‌ترین گزینه برای ترکیه، احتمالاً شبیه به دیگران، این است که ایران و غرب از طریق روند مذاکره موضوع را حل کنند و به این ترتیب، هم نگرانی‌های ترکیه از قدرت‌گیری هسته‌ای ایران رفع شود، هم چالش‌ها و تهدیدهای امنیتی ناشی از این پرونده کهنه برطرف شود.

برنامه فشار حداکثری، گزینه دیگری که دولت ترامپ در تقابل با ایران داشته نیز، با شرایطی مطلوب ترکیه است: اگر این فشار به مهار ایران در وضعیت فعلی منحصر شود، به‌خصوص با تغییراتی که در نفوذ منطقه‌ای ایران رخ داده، باز مطلوب ترکیه تأمین خواهد شد. ترکیه می‌تواند در چنین روندی حتی با ایالات متحده همکاری‌هایی نیز صورت دهد و در دیگر عرصه‌های مواجهه با ایران نیز از این موضوع بهره ببرد. حتی در صورت لزوم آنکارا خواهد توانست، استثناهای مطلوب خود را نیز از این روند فشار حداکثری کسب کند. این به‌خصوص در شرایطی به کار ترکیه خواهد آمد که هم‌اکنون در صحنه سوریه، حکومت مورد حمایت آنکارا با واشنگتن در مسیر تعامل مثبت قرار گرفته است. برداشتن تحریم‌های سوریه پس از تغییر حکومت، البته کمکی به دولت تازه دمشق بود، اما لطف مهمی به ترکیه نیز بود و راه را برای استحکام نظام مطلوبش در سوریه تا حد زیادی هموار کرد. ترکیه طبعاً امیدوار است در ادامه این روند نیز بتواند از تعامل با آمریکا بهره ببرد؛ خواه در کمک به بازسازی و ایجاد ثبات در سوریه، خواه در مدیریت تنش با اسرائیل و خواه در مواجهه با تصمیمات احتمالی ایران.

از اینجا به بعد اما دو سناریو مطرح می‌شود که در صورت اتخاذ آن‌ها، واشنگتن احتمالاً حمایت ترکیه را نخواهد داشت. سناریوی اول، طبعاً تجدید برخورد نظامی با ایران است، چه مستقیماً از سوی ایالات متحده و چه با اقدام تل‌آویو و حمایت واشنگتن. سناریوی دیگر، فرایندی از همان جنس فشار حداکثری است با تنظیمی که تبعات آن برای ایران مشابه جنگ باشد.

از طرفی، فشار بیش از حد به ایران ممکن است تهران را قانع به استفاده از آخرین برگه‌های در دسترس اش کند. فشار بر مسیرهای حمل‌ونقل انرژی، مشخصاً از طریق تنگه هرمز، چنان که توضیح داده شد، برای ترکیه چالش خواهد آفرید. به‌علاوه، تصمیم ایران برای هدف‌ قراردادن اهداف نظامی در دسترس نیز می‌تواند بحران امنیتی منطقه را تشدید کند؛ به‌خصوص که سیستم راداری قوی ترکیه در همین جنگ پیشین نیز مورد سوءظن ایران قرار گرفت و حتی برخی آنکارا را متهم کردند، در این زمینه به کمک آمریکا آمده است. ترکیه این اتهام را رد کرده اما به هر حال چنین اتهامی، ترکیه را نیز مثل قطر یا دیگران در فهرست اهداف احتمالی ایران قرار می‌دهد. گزینه به‌شدت نامطلوب برای ترکیه نیز این است که در هر درگیری احتمالی بین ایران با اسرائیل یا آمریکا، ناچار به میانه دعوا کشیده شود.

چالش دیگر مربوط به پیامد تریق بحران سیاسی در ایران است که دو برونداد مهم برای ترکیه خواهد داشت. اگر در بحبوحه جنگ یا در نتیجه آن، تنش درون مرزهای ایران بالا بگیرد، پتانسیل سربرآوردن گروه‌های کوچک و بزرگ غیردولتی یا پیدا کردن فضا برای گروه‌های موجود ایجاد خواهد شد، چه گروه‌های مذهبی افراطی از جنس داعش و چه گروه‌هایی مثل گروه‌های کردی مخالف ترکیه. این می‌تواند در میانه یک درگیری بزرگ منطقه‌ای، یک دردرس تازه پیش روی ترکیه بگذارد که تازه قدم‌هایی در مسیر تخفیف آن برداشته بود.

پیامد دیگر فشار بیش از حد به ایران یا جنگ نظامی گسترده با او، آسیب کمتری برای کلیدخوردن نیاز دارد. اگر جنگی طولانی و گسترده شکل بگیرد، صرف‌نظر از این که چه کسی دست بالا را داشته باشد، پتانسیل شکل‌گیری موج مهاجرتی دوباره‌ای در خاورمیانه وجود دارد. ترکیه در همین سال‌های اخیر نیز با جمعیت گسترده مهاجر و پناهجو از کشورهای مختلف مواجه بوده است، چه آن‌هایی که ترکیه را به عنوان مقصد برگزیده‌اند و چه آن‌هایی که هدف نهایی خود را اروپا در نظر گرفته‌اند و مستقیم‌ترین مسیر را در ترکیه یافته‌اند. سال‌هاست که بسیاری هندار داده‌اند، اگر جنگ با ایران به نقطه ایجاد موج مهاجر برسد، شدیدتر از نمونه‌های مشابه از دیگر کشورها خواهد بود، در شرایطی که همین حالا هم مسئله مهاجرین چالشی جدی برای ترکیه و اروپاست. آنکارا در این زمینه هشدارهایی نیز به اروپا داده و اشاره کرده است که چنین موجی محتمل است.

در مجموع، موضع ترکیه در قبال ایران را می‌توان چنین خلاصه کرد: آنکارا مایل است که برنامه هسته‌ای و نفوذ منطقه‌ای ایران مهار شود، اما هر اتفاقی فراتر و شدیدتر از این برای او نامطلوب و ناخوشایند خواهد بود. موضع ترکیه در قبال هر اقدامی از سوی دیگران نیز بر اساس همین مسئله تعیین می‌شود؛ البته با چینش فعلی، گزینه‌ای وجود ندارد که در آن ترکیه فعالانه در مقابله با سناریوهای حداکثری مداخله کند؛ اما همان آنکارایی که در مدیریت این دو دغدغه نسبت به ایران، می‌تواند شریکی آماده برای واشنگتن باشد، تمایلی به ایجاد چندین بحران بزرگ در همسایگی خود ندارد، به‌خصوص اگر این بحران بابت خواسته دولتی ایجاد شود که اردوغان، به هیچ وجه دل خوشی از آن ندارد.

دیپلمات‌ها



با آمریکا به بلوغ مذاکراتی نرسیده‌ایم

وزیر خارجه ایران گفت: «مذاکره با آمریکا باید در زمان خودش انجام شود. هر مذاکره‌ای یک زمان خاص دارد که به آن «بلوغ مذاکراتی» می‌گویند و باید به آن بلوغ برسد تا انجام شود. از نظر من، ما هنوز به آن نقطه بلوغ نرسیده‌ایم که یک مذاکره مؤثر با آمریکا صورت گیرد.» سیدعباس عراقچی در گفت‌وگو با خبرگزاری ایرنا ادامه داد: «به نظر من، آمریکایی‌ها هنوز به نقطه‌ای نرسیده‌اند که وارد یک مذاکره برابر شوند. اگر هم دنبال مذاکره هستند، می‌خواهند چیزی را که در صحنه نظامی نتوانستند به دست آورند، حالا در پشت میز مذاکره از ما بگیرند که نخواهند توانست. من وارد این مذاکره نخواهم شد که حقوق ملت ایران را که بمباران کردند ولی نتوانستند از بین ببرند، نادیده بگیرم. آنها نتوانسته‌اند نقطه اطمینان‌بخشی ایجاد کنند که ایران دیگر هرگز غنی‌سازی نخواهد کرد، چون نتوانسته‌اند پشت میز مذاکره امضای ما را بگیرند که این کار را نمی‌کنیم. این مذاکره نیست.»

عراقچی در پاسخ به سوآلی درباره ادعای تعیین موضوع غرامت از سوی ایران به عنوان پیش‌شرط گفت: «این موارد موضوع مذاکره است. مصاحبه‌من با فایننشال تایمز بود و تتر اشتباهی انتخاب کردند. من در آن مصاحبه گفتم که اگر مذاکراتی شروع شود، یکی از موضوعات ما غرامت و خسارت خواهد بود، ولی نگفتم پیش‌شرط. نمی‌تواند پیش‌شرط باشد، چون غرامت و خسارت خودش نیاز به مذاکره دارد. شما نمی‌توانید در خانه بنشینید و انتظار داشته باشید که خسارت را دودستی تحویل بدهند؛ باید برای دریافت خسارت مذاکره کنید. ابعاد و اندازه آن بالاخره کلی بالا و پایین دارد و اصلاً ممکن است آنها زیر بار نروند. باید صحبت شود. بنابراین، نه پیش‌شرط است ولی یکی از موضوعات مذاکره خواهد بود.»

وزیر خارجه ایران تصریح کرد: «من یک واقعیت را عرض کنم: از طریق واسطه‌ها پیام‌های متناقض به ما می‌رسد. در مصاحبه‌ها و گفته‌های طرف‌های آمریکایی هم پیام‌های متناقض وجود دارد. یکی از مشکلات ما چه در زمان مذاکرات قبلی و چه اکنون همین است که ما یک حرف منسجم از آمریکایی‌ها نشنیده‌ایم. مرتب صحبت‌ها تغییر کرده و پیام‌هایی که می‌آید متناقض است. بعضی وقت‌ها پیام‌ها با هم فرق دارد و بعضی وقت‌ها پیام‌ها با مصاحبه‌ها تفاوت دارد. من فکر می‌کنم شاید یک جمع‌بندی نهایی هنوز در طرف آمریکایی وجود ندارد و شاید گرفتار نقاط دیگری هستند.»

وی درباره مذاکره با اروپایی‌ها نیز گفت: «ما با اروپایی‌ها نیز تماس‌هایی داریم.» عراقچی توضیح داد: «واژه «مذاکره برای مذاکره» می‌تواند دو معنا داشته‌باشد؛ یک‌بار به‌معنای مذاکره صرفاً برای انجام مذاکره است، مثلاً برای پاسخ به افکار عمومی یا برای ائتلاف وقت، که معمولاً این تعبیر در همین معنا به کار می‌رود. اما معنای دوم این است که مذاکره می‌شود تا نحوه مذاکره مشخص گردد. در حال حاضر، با اروپایی‌ها در مرحله‌ای هستیم که بررسی کنیم آیا اساساً زمینه‌ای برای یک مذاکره واقعی و مبادله جدی میان ما و آنان وجود دارد یا خیر.» وزیر خارجه ایران تأکید کرد: «آن‌ها حتی پیش از ما به‌دنبال این موضوع هستند. در جلساتی که با طرف‌های اروپایی داشتیم، تأکید آن‌ها نیز بر همین موضوع بوده است که باید ببینیم بر چه مبنایی می‌توانیم وارد مذاکره شویم. بنده در یکی از جلسات از آن‌ها پرسیدم که یک دلیل ارائه دهید که چرا ما باید با شما مذاکره کنیم؟ شما کدام تحریم یا تهدید را می‌توانید بردارید یا حل‌وفصل کنید؟» عراقچی تصریح کرد: «آن‌ها اکنون تنها ابزاری که فکر می‌کنند در اختیار دارند همین اسنپ‌ک است. در این خصوص نیز موضع خود را به‌روشنی برای آن‌ها تبیین کردیم: اولاً، شما اساساً حق استفاده از اسنپ‌ک را ندارید، زیرا پس از خروج آمریکا از برجام و با مواضع اخیرتان -از جمله طرح موضوع «غنی‌سازی صفر»- عملاً خود شما نیز از برجام خارج شده‌اید. بنابراین، دیگر به‌عنوان مشارکت‌کننده در برجام شناخته‌ نمی‌شوید و حق اسنپ‌ک مختص اعضای باقی‌مانده در برجام است. ثانیاً، حتی اگر فرض کنیم که حق دارید از اسنپ‌ک استفاده کنید، در صورت انجام آن، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ اولاً، نقش اروپا در روند دیپلماتیک کاملاً به پایان می‌رسد؛ ابزاری را استفاده کرده‌اید و تمام شده است. پس از آن چه می‌ماند؟ پایان دیپلماسی؟»